فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام، سال هشتم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۷، صص ۸۰ - ۴۹

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۸۰۲۰۳

آزمون‌پذیری نظریه دولت رانتیر در انقلاب‌های جهان اسلام (مطالعه موردی ایران و مصر)

محمد جواد هراتی[۱]

دانشیار گروه معارف اسلامی دانشگاه بوعلی سینا (نویسنده مسئول)

روح‌الله مهدی‌زاده[۲]

دانشجوی دکتری تاریخ انقلاب اسلامی دانشگاه بوعلی سینا

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۲/۲۸ **تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۵/۲۱**

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعية دراسات العالم الاسلامي
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

چکیده

نگاه ساختاری در تبیین وقوع انقلاب‌ها در چارچوب تئوری انقلاب از مهمترین رویکردهای پژوهشگران به حوزه مطالعات انقلاب می‌باشد. با وقوع انقلاب اسلامی ایران این صاحب‌نظران به تجدیدنظر در چشم‌انداز نظریه-پردازی خود نسبت به انقلاب ایران پرداختند. از شاخص‌ترین این افراد در این رویکرد، تدا اسکاچپول است که نظریه دولت رانتیر و اسلام شیعی را درباره انقلاب اسلامی ایران مطرح نمود. از این رو هدف مقاله «مقایسه انقلاب اسلامی ایران(۱۹۷۹) و انقلاب مصر(۲۰۱۱)» بر اساس مدل نظری اسکاچپول می‌باشد. سعی بر آن است تا به این پرسش پاسخ داده شود که آیا نظریه اسکاچپول می‌تواند انقلاب ایران و مصر را توأمان مورد تبیین قرار دهد. نتایج حاکی از آن است که انقلاب مصر در برخی از زمینه‌ها بر اساس نظریه اسکاچپول با انقلاب ایران همخوانی دارد و در برخی از آن تفاوت‌های چشمگیری وجود دارد، بنابراین بر اساس این تفاوت ها انقلاب مصر نتوانست از مدار انقلاب سیاسی عبور کند و به یک انقلاب اجتماعی بدل گردد.

واژه‌های کلیدی: نظریه اسکاچپول، انقلاب اسلامی ایران، انقلاب مصر

1. harati@basu.ac.ir

2.Fomesh5890@gmail.com

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

مقدمه

از مهمترین نظریاتی که از منظر ساختارگرایی تحلیل انقلابات اجتماعی را سرلوحه کار خود قرار داده است نظریه تدا اسکاچپول در کتاب دولتها وانقلابات اجتماعی است. پیروزی انقلاب اسلامی ایران از جهات گوناگون نظریه ساختار گرایانه اسکاچپول را زیر سوال برد لذا وی برای ترمیم نظریه اش وپیدا کردن راهی برای تطبیق انقلاب ایران سعی نمود مفهوم دولت رانتیر را وارد دستگاه نظری خودکند. با خیزش انقلابات عربی در کشور های عربی از سال ۲۰۱۰، صاحب نظران و متخصصان حوزه نظریه پردازی سعی در کالبد شکافی آن برآمدند و از زوایای متعددی به بررسی و تجزیه تحلیل این انقلاب‌ها خصوصا انقلاب مصر پرداختند. یکی از این رویکردها، جنبه مقایسه ای انقلاب مصر با دیگر انقلاب ها با رویکردی نظری می باشد. با توجه به اینکه این انقلاب در حوزه جهان اسلام و منطقه خاور میانه روی داده است، به نظر می رسد تحولات این منطقه از سطح جهان اسلام بر روی کشور و انقلاب مصر تاثیر گذاشته باشد. بی شک انقلاب اسلامی ایران با توجه به اینکه یک انقلاب بزرگ سیاسی اجتماعی را با یک رویکرد اسلامی سپری کرده است می تواند برای بسیاری از کشورها ی منطقه وجهان اسلام چه به لحاظ رویکرد انقلابی در براندازی سیستم پهلوی و چه در مرحله نظام سازی الگوی مناسبی باشد بر این اساس می توان پرسش اساسی مقاله را اینگونه مطرح کرد که در فرآیند انقلاب، کدام شرایط ساختاری مشابه یا متفاوت در جوامع ایران و مصر توانست موقعیت مناسب سیاسی را برای پیروزی وضعیت انقلابی در این دو کشور فراهم نماید؟ تاثیرپذیری انقلاب مصر از انقلاب ایران بر مبنای دیدگاه اسکاچپول تا چه اندازه بوده است؟ نگارنده قصد دارد از منظر نظریه دول رانتیر اسکاچپول به تبیین ومقایسه انقلاب اسلامی ایران و انقلاب مصر بپردازد.

۲.ادبیات پژوهش

پس از رخدادانقلاب در تونس در دسامبر ۲۰۱۰ و به دنبال آن سرایت این موج به مصر و دیگر کشورهای اسلامی، از آنجا که این انقلابات در منطقه خاورمیانه در کشور های اسلامی به وقوع پیوسته بود بسیاری از تحلیل گران را بر آن داشت تا تاثیر انقلاب ایران بر این انقلاب ها در کشورهای اسلامی را با رویکردی نظری مورد بررسی قرار دهند. پورسعید(۱۳۹۰) در مقاله خود با عنوان (بررسی مقایسه ای انقلاب اسلامی ایران و انقلاب مصر) با استفاده

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

از فرایند انقلابی و همچنین نظریه فرصت سیاسی در چارچوب جامعه شناسی جنبش های اجتماعی به تحلیل این دو انقلاب پرداخته است .

عظیمی دولت آبادی (۱۳۹٦) در کتاب (انقلاب در کشور های عربی) با بکارگیری تئوری های مطرح انقلاب به طور مبسوط به تحلیل انقلاب های کشور های عربی و مقایسه آنها پرداخته است .نجف آبادی ،شکری و مرشدی زاد (۱۳۹٦) در مقاله ای با عنوان (مقایسه زمینه های وقوع انقلاب اسلامی ایران و انقلاب مصر بر اساس مدل نظری جان فوران) ، به بررسی مقایسه این دو انقلاب پرداخته است . نتایج این تحقیق حاکی از آن می باشد که بر اساس مدل انقلاب های جهان سوم جان فوران همه عوامل مطرح شده در این مدل در وقوع دو انقلاب ایران و مصر دخیل بوده اند.

هرآتی (۱۳۹٤) نیز در مقاله ای با عنوان (مطالعه تطبیقی آزمون پذیری نظریه انقلاب هانتینگتون با انقلاب در ایران و مصر) معتقد است که نظریه توسعه نامتوازن هانتینگتون موفقیت چندانی در توضیح تحولات انقلابی جهان اسلام ندارد . و با پیش فرض های نظریه در خصوص تحول انقلابی در فرآیند توسعه سیاسی همخوانی ندارد.

تفاوت این مقاله با پژوهش های صورت گرفته درباره انقلاب ایران و مصر با رویکردی نظری در این است که این پژوهش به مقایسه این دو انقلاب با استفاده از نظریه اسکاچپول درباره انقلاب ایران (دولت رانتیر و اسلام شیعی در انقلاب ایران) با توجه به انقلاب های جهان اسلام خواهد پرداخت

۳.چارچوب نظری

پدیده انقلاب یکی از موضوعات با اهمیت و مهم علوم اجتماعی است. انقلاب ها همانند زلزله در علم طبیعی، از پیچیده‌ترین و نامتعارف ترین وقایع اجتماعی محسوب می‌شوند که از فرآیندهای علّی طولانی و پیچیده ای نشأت می‌گیرند. از این رو صاحبنظران معتقدند، تبیین این واقعه پیچیده و فهم چرایی وقوع انقلاب ها وظیفه و کار ساده‌ای نیست (گلدستون، ۱۳۸۷: ۱۳).

یکی از مهم‌ترین ابعاد شناخت انقلاب‌ها توجه به ابعاد نظری در وقوع، رخداد و پیروزی انقلاب‌ها است. در باب نظریه های انقلاب دید گاهها و نظرات گسترده ای مطرح شده است. این اندیشه ها پیوسته با رویداد انقلاب های نو مورد چالش قرار می گیرند. به عبارت دیگر

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

رخداد انقلاب اندیشه های حاضر را که خود حاصل انقلاب‌های قبل بوده اند کامل می‌کنند و یا بطور اساسی ایده های جدیدی را به وجود می آورند. انقلاب اسلامی ایران نیز موجب شد تا بسیاری از تئوری های که باهدف توجیه و تفسیر انقلاب‌ها برآمده بودند یا کاملا از بنیان باطل شوند یا دگرگونی هایی و بازسازی هایی در آن شکل بگیرد در حقیقت نبودن برابر سازی و ناهماهنگی بخشی از فرضیه های انقلاب بر انقلاب اسلامی، نظریه پرداران زیادی را با مشکل مواجه نمود و به تعبیر لاکاتوش، آنان را مجبور به اصلاح کردن و مرمت های پی در پی و متعددی نمود (فراتی، ۱۳۷۹: ١٤)، از جمله این نظریات، نظریه ساختارگرایی اسکاچپول در کتاب دولت‌ها و انقلاب‌های اجتماعی است. وی در این کتاب با استفاده از رهیافت ساختار گرا سه انقلاب فرانسه،روسیه،و چین را مطالعه و نظریه خود را تدوین کرده است که از برجسته ترین نظریه های انقلاب شناخته می شود.

در نظریه ساختارگرایانه به مولفه‌هایی چون رهبری، ایدئولوژی، احزاب و سازمان‌های سیاسی و فرهنگی، روشنفکران وکارگزاران تاریخی کمتر توجه شده است و بیشتر مؤلفه‌هایی ساختاری چون ساخت اجتماعی و سیاسی، ساخت نظام بین الملل و ساخت دولت، مدنظر قرار گرفته‌اند (رفیع پور، ۱۳۸۷: ۱۳)، عمده نظریات ساختارگرایانه در دهه ۷۰ م تنظیم و نشر پیدا نمود. با توجه به تمایلات متعددی که در نظریه ساختار گرایی وجود دارد. جمیع آنها در کلیات با یکدیگر دارای اشتراک نظر هستند اما در این مرحله هر کدام از این گرایشات به وجهی از ساخت اجتماعی، سیاسی و یا اقتصادی اهمیت زیادتری می‌دهند.

درزمان وقوع انقلاب اسلامی مهم ترین نظریه ساختارگرایی انقلاب ، نظریه اسکاچپول بود . لذا فرضیه وی درباره علل انقلاب ها با چالشی جدی مواجه گردید. وی بعد از مطالعه فرایند انقلاب اسلامی بر ناکارآمدی دیدگاه قبلی خود درباره تبیین انقلاب ها صحه گذاشت و در مقاله ای نظریه خود را اصلاح کرد و متغییر هایی را به آن افزود.

اسکاچپول در دیدگاه قبلی خود معتقد بود که آنهایی که فکر می کنند انقلاب ها به طور آگاهانه ساخته می شوند، انتقاد کرده و بیان داشت که انقلاب ها علل ساختاری دارند و اتفاق می افتند نه اینکه ساخته می شوند(skocpol,1982). به عبارت دیگر بحران‌ها و موقعیت های ساختاری هستند که ایدئولوژی ها را پدید می–آورند و اینکه نتایج فعالیت‌های انقلابی رهبران نیز به مقتضیات ساختاری وابسته است نه به ایدئولوژی. اما در انقلاب ایران نقش امام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

خمینی(ره) ، ایدئولوژی ، نیروهای مذهبی و نخبگان فرهنگی آنقدر زیاد بود که پس از انقلاب ایران اسکاچپول تعریف خود از انقلاب را تغییر داد و متغییر ایدئولوژی را به آن اضافه کرد. بنابراین، نظریه دولت رانتیر وی که بعد از پیروزی انقلاب ایران در سال ۱۹۸۲ منتشر گردید عدول از نظریات پیشین وی درباره انقلاب‌ها به حساب می–آید. نیکی کدی نیز می‌پذیرد که مقاله اسکاچپل نسبت به نظریه مطرح شده در کتابش پیشرفت محسوب می‌شود، زیرا وی فرهنگ ، مذهب و نیروهای فکری را در انقلاب ایران می‌پذیرد.(keddie,1982).

۳-۱-مدل نظری اسکاچپول درباره رخداد انقلاب اسلامی ایران

دستگاه مفهومی این پژوهش که از مهم‌ترین مؤلفه‌های دیدگاه اسکاچپول در تشریح نظریه دولت رانتیر درباره انقلاب اسلامی ایران تشکیل گردیده است موارد زیر را شامل می‌گردد:

۱–ویژگی دولت رانتیر ۲–مدرنیزاسیون ۳–شهر کانون مقاومت سیاسی ٤–جایگاه ایدئولوژی ٥–نقش رهبری ٦–ارتش و دستگاه سرکوب ۷–عدم پیش بینی انقلاب ۸– تحلیل ارادی انقلاب.

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی –پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

اول: ویژگی دولت رانتیر

در علم اقتصاد رانت به اجاره زمین و اجاره بها گفته می شود. به نحوی که در آمدهایی که هیچ گونه تلاش و فعالیت تولیدی در آن صورت نگیرد در زیر مجموعه رانت قرار می گیرد (شکاری، ۱۳۷۹: ۳۲).در اقتصاد سیاسی در آمد–هایی که از منابع خارجی از راه فروش مواد اولیه و زیر زمینی با کمک دولت های دیگر یا با روش هایی متفاوت برای یک دولت به دست می‌آید تحت عنوان رانت اطلاق می گردد. مثال روشن آن ، درآمدهای حاصل از فروش نفت می باشد که توسط کشورهای نفت خیز صادر می گردد. زمانی که در اقتصاد سیاسی درباره رانت بحث می‌شود، منظور درآمدهایی است که برای یک دولت از منابع خارجی (از طریق فروش مواد خام و منابع زیرزمینی با کمک سایر دولت‌ها و یا برخی موارد دیگر) به دست می‌آید. این درآمدها ارتباطی به فعالیت‌های تولیدی اقتصاد داخلی ندارند و از یک فعالیت مولد اقتصاد داخلی به دست نمی‌آیند. بنابراین می‌توان آنها را درآمدی دانست که غالباً از استخراج مواهب الهی به دست می‌آید. نمونه‌ی بارز، درآمدهای نفتی است که به وسیله‌ی کشورهای صادرکننده‌ی نفت به دست می‌آید.» (طبیبیان، ۱۳۷۱: ۳).

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

از ویژگی‌های مهم دولت رانتیر عدم‌پاسخگویی حکومت و دولتمردان به مردم است چرا که دولت‌های رانتیر به واسطه درآمدهای حاصل از فروش منابع طبیعی و زیرزمینی و عدم دریافت مالیات، مایل به پاسخگویی به مردم نیستند، در این فرایند حکومت به علت برخورداری از قدرت انحصاری در استفاده از منابع رانتی و عواید حاصل از آن، استبداد و قدرت انحصاری خود را تداوم می‌بخشد.

در تعریف دقیق‌تری دولت‌های رانتیر به دولت‌هایی اطلاق می‌شود که حداقل ٤٢ درصد از کل درآمد خود را از رانت خارجی حاصل از صدور یک یا چندماده خام به دست آورد دولت رانتیر لقب می‌گیرد. لذا رانت منشأ خارجی دارد» (ببلاوی و لوسیانی، ۱۹۸۷: ٤١).

به نظر ببلاوی «اقتصاد رانتیر دارای ٤ خصیصه می‌باشد: ۱- درآمد ناشی از رانت باید کاملاً به دیگر بخش‌های اقتصادی اقتصاد یک کشور مسلط باشد. ۲- رانت باید از خارج از کشور به دست آید ۳- در یک دولت رانتیر تنها بخش کوچک در تولید و ایجاد رانت درگیرند و اکثریت جامعه مصرف‌کننده آن هستند. ٤- حکومت بعنوان دریافت کننده اصلی رانت خارجی در اقتصاد است» (طاهری و صفاری امان، بی‌تا: ۹۷).اسکاچپول معتقد است از دهه ۱۹٦۰ به بعد حکومت ایران به یک دولت رانتیر غرق در دلارهای نفتی مبدل گردید و به ریتم اقتصادی جهانی به شدت هماهنگ گردید (skocpol,1982 : 269).

دوم :مدرنیزاسیون

مدرنیزاسیون را می‌توان فرایندی دانست که طی آن یک جامعه تغییرات ساختاری را از طریق توسعه اقتصادی- اجتماعی تجربه کند (ساعی، ۱۳۸٤: ۸۱). این تغییرات ساختاری عمدتاً در سه بُعد رخ می‌دهند: -۱ بُعد آموزشی؛ -۲ بُعد اقتصادی؛ -۳ بُعد اجتماعی. به عبارت دیگر مدرنیزاسیون عبارت است از تحولات نو که در کشورهای غیرعربی در حوزه‌های ساختاری و روبنایی ایجاد می‌شوند (هودشتیان، ۱۳۸۰: ۷٦).

اسکاچپول در نظریه ساختاری خود در کتاب «دولت و انقلاب‌های اجتماعی» معتقد بود که انقلاب‌های اجتماعی صرفاً ماحصل فرایند نوسازی شتابان که منجر به نارضایتی مردم می‌شود، نمی‌باشد. اما در نظریه جدید خود درباره انقلاب ایران ادعا می‌کند که این انقلاب معلول روند نوسازی پرشتاب بوده است (skocpol,1982 : 266).

فصلنامه علمی -پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

سال هشتم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۷
[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

سوم : شهر کانون مقاومت سیاسی

در اکثر انقلاب‌های اجتماعی، از منظر سیاسی مهم ترین شورش‌های مردمی در مناطق روستایی شکل گرفته اند بدین معنا که جوامعی که به وسیله تغییرات اجتماعی منشعب از مدرنیزاسیون دچار آسیب شده اند. اما همچنان در شمار مناطق مخالف با طبقه حاکم و دولت به شما می آمدند. اما مناطق روستایی با گرایشات دهقانی مبنای شورش‌های مردمی در انقلاب ایران به حساب نمی آمدند. بالعکس مخالفت با شاه در مناطق اجتماعی شهری که در آنها مقاومت منسجم و مستقلی نهفته بود ، وجود داشت (skocpol,1982 : 271).

چهارم: جایگاه ایدئولوژی

ایدئولوژی یکی از ابعاد اصلی روند بسیج انقلابی است. ایدئولوژی انقلابی «یک نظام عقیدتی- ارزشی است که نارضایتی‌های فردی را به نارضایتی‌های جمعی تبدیل و انقلابیون و توده‌ها را در جهت براندازی نظام نابسامان حاکم و جایگزین کردن آن با نظام سیاسی و اجتماعی و فرهنگی آرمان به شیوه‌ی خاصی ترغیب می‌کند» (پناهی، ۱۳۹۱: ۳۸۸).یا به طوری که فورن از مفهوم فرهنگ‌های سیاسی مخالف دارد، «منظور راه و روش‌های چند صدایی و بالقوه رادیکال درک شرایط جامعه است که در برخی زمان‌ها، گروه‌های متعددی در جامعه برگزیده و به توصیف و فهم تحولات سیاسی- اقتصادی‌ای می‌پردازند که آنها را در برگرفته است»(فوران، ۱۳۸۸: ۲۷۳).

ایدئولوژی شیعه نقش مهمی به عنوان آخرین حلقه مبارزه علیه شاه و تحقق انقلاب اسلامی بر عهده دارد و در این راستا، اسطوره امام حسین (ع) به عنوان چارچوبی علیه شاه مورداستفاده قرار می‌گیرد و شاه لقب یزید خودکامه دریافت می‌کند(skocpol,1982 : 274-275).

ایدئولوژی بسیج چند کارکرد اساسی دارد: ۱- نخستین وظیفه آن نکوهش وضع موجود و یافتن ریشه‌های نابسامانی ۲- دومین وظیفه، ترسیم وضع مطلوب و تعیین اهداف غائی جنبش و وسایل دستیابی به آنهاست. ۳- سومین وظیفه، عرضه تبیین تازه‌ای از تاریخ به سود جنبش و ستایش از گذشته آن است (بشیریه، ۱۳۸۷: ۸۲).

پنجم : نقش رهبری

رهبری فرآیند نفوذ دیگری و برانگیختن آنها برای همکاری با یکدیگر در جهت تحقق

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

هدف‌های معین است. به عبارت دیگر، رهبری فرآیند تأثیرگذاری بر افراد و انگیزش آنان به گونه‌ای است که از روی میل، علاقه و با اشتیاق برای دستیابی به هدف‌های موردنظر تلاش کنند (عظیمی دولت‌آبادی، ۱۳۹٦: ۱۱۱-۱۱۰).

در پیروزی یک انقلاب رهبری نقش بسیار مهمی را بر عهده می گیرد به عبارت دیگر رهبری با فعال سازی نارضایتی ها در جامعه و جایگزین کردن یک آلتر ناتیو به انقلاب سمت و سو می دهد (هراتی، ۱۳۹۱: ۲۳٦).

از مهمترین موارد نقش رهبری جهت‌دادن به تأثیرگذاری بر افراد جامعه است. در این فرآیند جامعه به واسطه نفوذی که رهبری بر آن دارد از روی اشتیاق از او اطاعت می‌کنند. بنابراین تعریف هیچ انقلاب و جنبش اجتماعی نمی-تواند فاقد عنصر رهبری باشد.

اسکاچپول معتقد است که آیت‌الله خمینی (ره) یک شبکه ملی را برای همه مخالفان مشترک برضد پادشاهی که با خارجیان رابطه بسیار نزدیکی داشت برقرار نمود، به گونه‌ای که حتی غیرمذهبی‌ها هم می‌توانستند بر اساس این رویکرد دور هم گرد آیند (skocpol,1982 : 276).

در جنبش‌های مخالفت و مقاومت در برابر رژیم‌های غیرمردم سالار، رهبران مقاومت کار ویژه‌های عمده‌ای دارند و احتمالاً گذر به مردم‌سالاری پس از فروپاشی رژیم قدیم تا حدی بستگی به نوع گرایش، چهان بینی و خواست‌های رهبران جنبش و به طور کلی‌تر پایگاه اجتماعی جنبش مقاومت دارد (بشیریه، ۱۳۸٤: ۷۱-۷۰).از مهم‌ترین موارد نقش رهبری، جهت دادن و تأثیرگذاری بر افراد جامعه است. در این فرآیند جامعه به واسطه نفوذی که رهبری بر آنان دارد از روی اشتیاق از او اطاعت می‌کنند. بنابراین تعریف هیچ انقلاب و جنبش اجتماعی نمی‌تواند فاقد عنصر رهبری باشد.

ششم : ارتش و دستگاه سرکوب

در انقلاب‌هایی که در بسیاری از کشورها رخ داده است جهت‌گیری نیروهای مسلح علیه نیروهای انقلابی یا نظام حاکم، نقش بسیار تعیین‌کننده‌ای در سرنوشت انقلاب‌ها داشته است.

تمایل و توانایی حکومت در سرکوب مخالفت و مقاومت، عامل بسیار مهمی در فروپاشی یا استمرار رژیم‌های غیردموکراتیک به شمار می‌آید. رژیم‌های غیرمردم سالاری که وفاداری کامل نیروهای مسلح خود را تضمین کنند و آمادگی لازم برای کار بر ابزارهای قهر و اجبار

فصلنامه علمی -پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

در امر سرکوب را داشته باشند، حتی به رغم رود ولی با بحران مشروعیت و دست کم، در کوتاه مدت از لحاظ سیاسی آسیب‌ناپذیرند. از سوی دیگر ضعف در اراده معطوف به قدرت و سرکوب به هر دلیل از دلایل، بنیاد حکومت‌های غیرمردم سالار را که اساساً بر پایه زور استوارند، متزلزل می‌کند (بشیریه، ۱۳۸٤: ٦٥-٦٤).

منظور از دستگاه سرکوب، مجموعه سازمان‌ها و نهادهای اطلاعاتی، نظامی و امنیتی است که وظیفه آنها استقرار نظم و مقابله با تهدیدات داخلی و خارجی کشور است. سرکوب ابزاری ناظر به کاربرد وسایل قلمرو اجبار در ارتباط با شهروندان به ویژه گروه‌ها و افراد مخالف از سوی حکومت است.

ناکارآمدی دستگاه سرکوب نیز به معنای ناتوانی و ضعف نیروهای سرکوب به لحاظ ساختاری، فرماندهی، آموزش، تجهیزات، نیروها است. بر اساس نظریه قبلی اسکاچپول انقلاب‌های اجتماعی در کشورهایی به وجود می‌آید که ارتش و پلیس آنها به علت شکست نظامی در یک جنگ دچار ضعف و سستی شده باشند، این در حالی است که ایران نه یک جنگ خارجی را تجربه کرده، و نه تحت فشار خارجی بوده است. بالعکس ایران از ارتش مجهز و قدرتمند برخوردار بود، لذا بعد از ناکارآمدی ارتش در انقلاب ایران اسکاچپول از الگوی غربی خود فاصله می‌گیرد(skocpol,1982 : 266).

هفتم :عدم پیش بینی انقلاب

با توجه به وسعت تلاش‌های علمی فراوان برای نظریه پردازی در حوزه انقلاب‌ها، علی‌القاعده این رویکرد می-بایست به پیش بینی پذیری پدیده انقلاب منتج گردد.

تا دهه ۸۰ میلادی اکثر نظریه پردازان انقلاب در زمینه جامعه شناسی، تمایلات ساختارگرایانه از خود بروز می دادند. این صاحب نظران عموما با مطالعه مدل‌های گوناگونی از انقلاب‌ها مثل انقلاب فرانسه، روسیه و چین و نیز انقلاب‌های ضد استعماری قرن بیستم، در تلاش بودند تا با تجزیه سطوح مشترک این انقلاب‌ها وفراگیری آن‌ها، به یک تئوری همگانی دست یابند که درپرتو آن بتوان هر انقلاب نوینی را که در دنیا به وقوع می پیوندد؛ تفسیر نمایند و یا حتی رخداد آن را از مد ت ها قبل پیش‌بینی کنند. (فراتی، ۱۳۷۹: ۳۱۵). عده‌ای از دانشمندان اجتماعی معتقدند که در خصوص پدیده انقلاب فقط می‌توان یک پیش بینی دقیق نمود وآن

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

عدم پیش بینی دقیق انقلابات است. یعنی به طور پارادوکسیکال با متناقص نمایی پیس بینی نمود که انقلابات پیش بینی نمی‌شود (طالبان، ۱۳۹۳: ۲۱۳).

اسکاچپول اذعان دارد که انقلاب ایران هرگز در دستگاه نظریه پردازان غرب قابل ردیابی نبود چرا که این انقلاب هم نظریه‌های آنان و هم نظریه خودش را به زیر سوال برد (skocpol,1982 : 264).

هشتم : تحلیل ارادی انقلاب‌ها

به طور کل دو نظریه درباره علل رخداد پدیده انقلاب وجود دارد: -۱ علل ارادی یا کارگزاری: نظریه‌ای که نقش کارگزاران و فاعلان مختار در وقوع انقلاب را تعیین‌کننده می‌داند. -۲ علل ساختاری: نظریه‌ای که انقلاب را برآمده از ساختارهای کلان می‌داند و انقلاب را فرایندی می‌داند که خواسته یا ناخواسته اتفاق خواهد افتاد. با توجه به این نگاه نظریه اول اسکاچپول در کتاب «دولتها و انقلاب‌های اجتماعی» در حوزه علل ساختاری قرار می‌گیرد جمله معروف ایشان در مورد انقلاب گویای همین رویکرد می‌باشد: «انقلاب‌ها می‌آیند و نه اینکه ساخته شوند»، این دیدگاه کاملاً برخلاف نظریه بعدی ایشان است که با حفظ جایگاه ساختاری خود نقش آگاهانه رهبری و ایدئولوژی را در انقلاب اسلامی ایران می‌پذیرد. (skocpol,1982 : 274- 276)

۴. کاربست نظریه اسکاچپول درباره انقلابات ایران و مصر

٤-۱ ویژگی‌های دولت رانتیر

بنا به نظر اسکاچپول شاه ایران بسیار قویتر از پادشا هان خودکامه گذشته بود. چرا که او یک ارتش جدید و یک نیروی پلیس مخفی سنگدل و قدرتمند تحت تسلط خود داشت. حکومت ایران به یک دولت رانتیر غوطه ور در دلارهای نفتی بود و به ریتم اقتصادی جهانی سخت هماهنگ گردید. بخصوص پس از سال های ۱۹٦۰ دیگر دولت نیازی به دریافت درآمد مالیاتی از مردم را نداشت و پایه اقتصادی درآمد های آن یک صنعت هدایت شده به سوی صادرات بود که تنها بخش کوچکی از نیروی کار داخلی را به خدمت خود درآورد (skocpol,1982 : 268-269). در حقیقت با افزایشی که در درآمدهای نفتی در دوره پهلوی دوم رخ داده بود، رژیم پهلوی به چنان درجه ای از استقلال از جامعه خود رسیده بود که

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

دولت های قبلی چنین مسئله ای را هرگز تجربه نکرده بودند. بدین ترتیب دولت در مسیر تغییر در ساخت اجتماعی قرار گرفت و تلاش نمود برای خود در میان اقشار مختلف جامعه حامیانی را به دست آورد و در مقابل موجبات تضعیف گروه های اجتماعی معارض مانند بازاریان و روحانیت را فراهم آورد (شکاری، ۱۳۷۹: ۷۸). دیوان سالاری دولت در این سال ها گسترش وسیعی پیدا نمود این مسئله برآیند مستقیم افزایش درآمدهای دولت و نیاز شدید دولت به ایجاد طبقه ای وابسته به خود برای حفظ مشروعیت نظام سلطنتی بود. افراد حقوق بگیر در دولت در طی این سال ها از ۳۱۰ هزار نفر در سال ۱۳۳۵ به ۶۳۰ هزار نفر در سال ۱۳۵۵ افزایش یافت (همان : ۷۳).

دولت های رانتی فقط شامل کشور هایی که دارای ذخایر نفتی خصوصا در منطقه خاورمیانه هستند محدود نمی گردد، بلکه دولتهایی که از رانت های غیر نفتی نیز استفاده می کنند را هم در بر می گیرد. در واقع می توان از این دولت ها بعنوان دولتهای شبه رانتی نام برد.بعنوان مثال در کشوری مانند مصر،رانت خارجی حلقه هایی از رانتیه های درجه دوم را بوجود آورده که به دنبال آن رویکرد حکومت و مطالبات از مردم را تحت تاثیر خود قرار داده است . لذا ویژگی های مشترک زیادی را می توان در دولت های شبه رانتی و رانتیه پیدا نمود.(کشاورز شکری، عابدینی نجف آبادی ، ۱۳۹٤: ٤۰)، بنا بر این تعریف ، دولت مصر را می توان در زمره دولت های شبه رانتی به شمار آورد به صورتی که در دوران حکفر مایی حسنی مبارک ، تحرکاتی برای توسعه جامعه مدنی بوجود آمد اما در مقابل روابط میان دولت و جامعه مدنی یک رابطه نابرابر و یک سویه بود(همان: ٤۱). بعد از معاهده کمپ دیوید میان مصر و اسرائیل ،اقتصاد مصر به شدت به امریکا وابسته گردید، به دنبال این معاهده کمک های زیادی از طرف امریکا به مصر روانه گردید. از طرف دیگر ، رویکرد اقتصادی رهبران مصری در سیاست اقتصاد آزاد و مطالبات مهم بانک جهانی و صندوق بین المللی پول نیز ذیل اصلاحات اقتصادی مصر در حال گسترش بود. بدین تر تیب افزایش سریع کمک های خارجی در برنامه اصلاحات اقتصادی مصر تاثیر بسزایی از خود به جای گذاشت. (لوچانی، ۱۳۹۱: ٨٤).

از طرفی حکومت پهلوی به هیچ قانون ، مرامنامه یا سنتی پایبند نبود از طرفی با توجه به عدم پیشینه و سابقه تاریخی، فئودالی و گرایش به تسلط کامل دولت در اقتصاد و درآمدهای

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

سرشاری که از فروش نفت بهرمند گردیده بود جامعه را از هر نوع طبقه اجتماعی محروم کرده بود و در مقابل دولت نیز به شدت از جامعه مستقل شده بود چرا که فقط به درآمدهای نفتی اتکاء داشت . اما در کشورهای توسعه یافته ، دولت همه کاره نیست ،و دامنه نفوذش محدود به حدودی است به صورتی که در چارچوب همین محدوده قدرت خود پرتوان و صاحب اراده است و می تواند مهمترین تصمیمات سیاسی و اقتصادی را سر لوحه کار خود قرار دهد. (کاتوزیان، ۱۳۷۲: ۵۳). در حوزه اجتماعی نیز پیامدهای دولت رانتیر آشکار گردید. پس از آنکه دولت از مواهب اقتصاد رانتی برخوردار گشت پس از دهه ۱۳٤۰ جمعیت روستایی کشور رو به تنزل نهاد. و در مقابل بر جمعیت شهری افزوده گشت. با رشد شهرنشینی استفاده از آموزش و پرورش برای افراد شهر نشین، تحرک اجتماعی لازم را در مشاغل تخصصی بر این بخش‌های صنعتی و خدماتی فراهم آورد. تا سال‌های منتهی به دهه ۱۳۵۰ شمسی تمام حرکت های که خواهان بسته شدن فضای استبدای سیاسی جامعه بودند تا از این طریق مشارکت سیاسی و اجتماعی را باب کنند به دست دولت رانتی سرکوب و منفعل گردیدند. بدین ترتیب دولت رانتی هیچ سهمی برای جامعه قائل نمی‌گردد و حتی امکان هر نوع تحرک و مشارکت سیاسی را از جامعه سلب می‌نماید. تحول در اقتصاد مصر نیز با رویکرد سیاست آزاد سازی اقتصادی به طور نسبی برقرار گردید اما مانند کشورهای زیادی به شکاف طبقاتی منجر گردید و زمینه های فساد فزاینده اقتصادی را در میان طبقه حاکم علی الخصوص در دوره حکوت حسنی مبارک برقرار نمود به شکلی که یک طبقه جدید از سرمایه داران دولتی بوجود آمد که بخش قابل توجهی از ثروت آنان نتیجه جذب سرمایه های خارجی بعد از معاهده کمپ دیوید و نزدیکی به بلوک غرب خصوصا امریکا و اسرائیل بود. بالتبع از دستاوردهای یک اقتصاد سرمایه داری بیمار گونه در مصر، بهره مند شدن از رانت های بی شمار خارجی بود که در میان وابستگان و نزدیکان خانواده مبارک و حزب حاکم بر کشور رواج داده شد (قزوینی حائری، ۱۳۹۰: ۵۲).

خودداری دولت از سرمایه گذاری مستقیم در بخش صنعت و کشاورزی، اکتفا به توسعه زیربناهای اساسی، آزادسازی قیمت ها و بازار مالی، خصوصی سازی بخش عمومی از طریق فروش بخش عمومی به سرمایه داران محلی و خارجی. صرف نظر از کارآمدی این سیاست ها در تامین نیازهای مصر، ضعف در کارآیی و فساد در اجرای این سیاست ها بر شدت

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

بحران حاصل از آن ها افزود. شاید در صورت وجود یک نظام سیاسی و اقتصادی شفاف تر اجرای این سیاست ها نتایج بهتری عاید کشورها می ساخت(مسعود نیا و سعیدی میزان، ۱۳۹۱: ۱۷۳).

داده‌های سازمان شفافیت از شاخص احساس فساد نشان می‌دهد که مصر در سال ۲۰۱۰ نمره ۳/۱ را از این شاخص کسب کرده است. این نمره نشانگر آن است که وضعیت این کشور در یک سال منتهی به انقلاب نسبت به سه سال قبل از آن اندکی بهبود یافته است ولی با وجود این هنوز این کشور با متوسط این شاخص نیز فاصله زیادی داشته و تمایل آن به همت فساد بالا بوده است. این نمره باعث شده است تا کشور مصر در جایگاه دوازدهم در میان نوزده کشور منطقه و بالاتر از میانگین منطقه قرار بگیرد(عظیمی دولت آبادی، ۱۳۹۶: ۱۵۲).

۲. ٤ مدرنیزاسیون

اسکاچپول در نظریه ساختاری قبلی خود، اعتقاد داشت که انقلاب های اجتماعی صرفاً محصول فرایند نوسازی پرشتاب که منجر به نارضایتی عمومی میگردد، نیست. لذا در نظریه جدید خود ادعا می‌کند که انقلاب اسلامی ایران، از دل روند نوسازی بیش از حد سریع و پرشتاب بیرون آمده است وی در این باره بیان می‌دارد که انقلاب ایران نتیجه مدرنیزاسیون خیلی سریع بوده است. درطی دهه ۱۹٦۰ و با سرعت زیادی در دهه ۱۹۷۰ جامعه ایران اصلاحات ارضی، مهاجرت‌های گسترده از روستاها به شهرها (علی الخصوص تهران). با سرعتی بی نظیر در مسیر صنعتی شدن و گسترش نابهنگام آموزش ابتدایی، متوسط و دانشگاهی جدید را آغاز نمود. وقتی انقلاب اتفاق افتاد شواهد حاکی از آن بود که همه بخش‌های جامعه ایران از شاه و اوضاع خودشان ناراضی به نظر می رسند. بنابراین احتمالا انقلاب برآیند اعتراضات و بهم ریختگی جامعه، سردرگمی اجتماعی و ناتوانی و نارضایتی وسیع از سریع بودن تغییر بوده است (skocpol,1982 : 266).

برنامه توسعه شتابزده شاه تاثیراتی فرهنگی نیز به همراه داشت. آشنایی دانشجویان ایرانی شاغل به تحصیل چه در داخل و چه در خارج از کشور با فرهنگ دموکراسی و آزادی مدنی توقع آنان را از نظام سیاسی شاه افزایش می‌داد. در مقابل رژیم شاه به این نیروهای اجتماعی نوپدید و تحصیل کرده اجازه تشکیل احزاب و سندیکاهای مستقل را نمی‌داد و همچنین از

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

اعطای حداقل حقوق و آزادی های مدنی به آنان پرهیز می‌کرد. این درجه بالا از استبداد و اختناق سیاسی، فضای منجمد سیاسی سبب بیگانگی و نارضایتی نیروها از رژیم می‌شد (شیراوند، ۱۳۸۷: ۱۳۸).

یکی از مهم‌ترین کار ویژه‌های رژیم سیاسی مدرن، تنظیم زندگی اقتصادی به منظور دستیابی به رفاه اجتماعی از طریق تامین اشتغال، تثبیت نسبی قیمت‌ها، توزیع نسبتاً عادلانه ثروت و منابع اقتصادی و تامین رشد اقتصادی نسبی است (بشیریه، ۱۳۸٤: ٦۳-٦۲). در مصر رشد سریع مدرنیته چشمگیر بوده است. در این جوامع در حال رشد و گسترش که میزان گسترده‌ای از جمعیت آن را جوانان تشکیل می‌دهند، تحولات گسترده آموزشی بوجود آمده که نتیجه آن بوجود آمدن چالشی جدی است: این طبقه جدید متوسط به لحاظ فرهنگی در سطح بالایی از استفاده از تکنولوژی قرار گرفته است، اما به لحاظ اقتصادی و توانایی‌های مالی چندان پیشرفتی در آن مشاهده نمی‌گردد. زیرا با ورود هزاران فارغ التحصیل دانشگاهی برای ورود به بازار کار و عدم یافتن شغل مورد نظر، احساس محرومیت شدیدی بوجود می-آید، می تواند زمینه بروز جنبش و انقلاب گردد. و این جوانان در صدر کانون انقلابی قرار دهد. که نمونه آن را در مصر شاهد بودیم (شیرازی، و رسولی، ۱۳۹۰: ۸۹).

مصر در یک دهه پایانی حکومت مبارک اصلاح اقتصادی را شروع کرد. مبارک در طی این سال‌ها با تشویق پسرش جمال سعی در نوسازی اقتصاد مصر از طریق وارد کردن گروهی از اصلاح‌طلبان در کابینه خود داشت. این رویکرد منجر به پایین آمدن مالیات‌ها و تعرفه‌های گمرکی گردید. و دخالت های دولت در اقتصاد کم شد و موجب کاهش یارانه‌های دولتی گردید. از این رو بین سال‌های ۲۰۰٦ تا ۲۰۰۸ اقتصاد مصر ۷٪ رشد داشت و حتی در سال ۲۰۱۰ بیش از بحران اقتصادی جهان رشد ٦٪ را تجربه کرد این روند برعکس روند سیاسی درمصر بود (زکریا، ۱۳۸۹: ۳۳).

داده های مربوط به سرانه تولید ناخالص داخلی و مصرف انرژی در مصر این شاخص‌ها پایین تر از میانگین های منطقه‌ای بود و در داده های مربوط به شاخص‌های اجتماعی و آموزشی مدرانیزاسیون نیز نشان می‌دهد که این کشور به غیر از تعداد کابران برای اینترنت که تعداد آنها بالاتر از سطح منطقه بوده است در بقیه شاخص ها پایین تر از منطقه قرار داشته است. همچنین شاخص‌های نرخ سواد، نرخ سواد جوانان، درصد جمعیت دانشگاهی

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

و متوسط سال-های تحصیلی نیز پایین تر از متوسط منطقه در سال۲۰۱۰را نشان می‌دهد (عظیمی دولت آبادی، ۱۳۹٦: ۱٦۱- ۱٦۰).

۳. ٤ شهر کانون مقاومت سیاسی

با توجه به سابقه تاریخی ایران، حوزه اجتماعی- اقتصاد بازار، هسته مرکزی زندگی شهری را تشکیل می‌دهد و همواره رابطه نزدیک و محکم میان تجار و تولید کنندگان کشاورزی روستا برقرار بود. نظر به پیشبرد صنعتی شدن سرمایه دارنه مدرن در دولت پهلوی و اشکال جدید زندگی شهری، بازار ایران را به لحاظ اقتصادی و تجاری کنار گذاشته و تحت فشار قرار گرفت (skocpol,1982 : 271).

از سویی، بازار به بخش های مدرن روبه گسترش جامعه ایران دارای پیوند ها و ارتباطاتی بود. بخش‌هایی که به نظر می‌رسید در واقع در تضعیف نقش بازار سنتی سهیم باشد. جمعیت زیادی از دانشجویان ایرانی که در بوروکراسی یا حرفه ها به مشاغل جدید از خود تمایل نشان می دادند فرزند بازاری ها بودند وافراد بیشماری از بازاری‌ها دارای سرمایه در طرح های صنعتی تحت حمایت دولت مشارکت داشتند. این شرایط می‌توانست به ائتلاف هر چند ضعیف با رژیم شاه منجر گردد اما شاه مصر بود با بخش های سنتی حیات بازار به مبارزه برخیزد (skocpol,1982 : 272). از سویی دیگر در حرکت های توده‌ای علیه شاه در بین سال های ۱۹۷۷ و ۱۹۷۸ جوامع سنتی شهری ایران نقش بی بدیلی در به صحنه آوردن و تقویت مقاومت مردمی برعهده داشتند. کارگران مشغول در صنایع جدید که دست به اعتصاب می زدند به کمک‌های اقتصادی بازار وابسته بودند. بازار در ائتلاف خیلی شدید با روحانیت بود. گروه های اسلامی و مراسمات مذهبی خاصی در ایجاد پیوند میان تجار و کسبه و کارگران نقش به سزایی داشتند. حتی عدم تمکین طبقه متوسط سکولار با شاه نیز به اتحاد با رهبران روحانی و غیرروحانی بازار وابسته بود تا جای که می-توانستند از طریق شبکه های اجتماعی و اقتصادی مستقر به بسیج توده‌ای اقدام نمایند (skocpol,1982 : 273).

رژیم قصد اشت توأم با سرکوب طبقات سنتی دست به تشکیل قدرتی جدید بزند که هم ظاهر مدرن داشته باشد و هم بتواند در مواقع بحران به عنوان یک پایه حمایتی از آن استفاده کند. بر این اساس طبقه متوسط جدید را به وجود آورد. این طبقه تاثیرگذاری فراوانی

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

بر ساختار سیاسی رژیم شاه داشتند. همچنان که هسته اصلی جریانات روشن فکری را طی سال های حکومت رژیم تشکیل دادند (شیراوند، ۱۳۸۷: ۱۳۶-۱۳۷)، این طبقه رژیم شاه را دست نشانده کشورهای غربی(امریکا و انگلیس) می‌دانست، این مسئله موجب گردید که آنان هیچ‌گاه آرمان های برآمده از رویکردهای ملی گرایانه شاه را باور نکنند. سیاست رشد اقتصادی درایران رشد طبقه متوسط را به همراه داشت که معلول درآمدهای نفتی در ایران بود.

کشور مصر نیز طی دهه‌های اخیر به سرعت شهری شد. مهاجرت از روستا به شهر موجب افزایش طبقه متوسط جدید در مصر شد. در مصر با گسترش بیکاری در بین روستاییان مهاجرت به شهرها چشم گیر بوده است (حاجی ناصری و اسدی حقیقی، ۱۳۹۱: ۲۱۸-۲۱۹)، از طرفی سیاست رشد اقتصادی در مصر رشد طبقه متوسط را به همراه داشت. این رشد از طریق گسترش توریسم و کمک‌های خارجی امکان پذیر گشت. این طبقه شامل افراد دارای مشاغل حرفه‌ای یقه سفید، مهندسان، دیوان سالاران، مدیران، آموزگاران، روشنفکران و اکثریت عظیمی از دانش آموزان و دانشجویان است که گسترش و خودآگاهی طبقاتی آن‌ها موجب تقاضایشان برای مشارکت سیاسی و تأسیس نهادها و رویه‌های دموکراتیک می‌شود. این پدیده به شکاف میان تامین دموکراسی ازسوی حکومت و تقاضای آن از سوی این طبقه جدید، انجامید و از این رو استعداد بسیج پذیری این گروه را در جنبش انقلابی بالا می‌برد واین فرصت سیاسی مهمی برای شکل گیری و تداوم جنبش های انقلابی است (دفرونزو، ۱۳۸۷ : ۳۶).

در مصر سیاست های نئولیبرال اقتصادی زمینه ساز کاهش حجم دولت و افزایش رسانه های نوین ارتباطی در درون کشور شد. گسترش آموزش عالی و دانشگاه‌های متعدد یک طبقه تحصیل کرده به نسبت وسیعی را به وجود آورد که می توان آن را طبقه متوسط جدیدنامید، آمارهای موجود در خصوص بافت های اجتماعی جهان غرب نشان می‌دهد که طبقه متوسط جدید، به شکل مطلق و نسبی، از سریع ترین رشد در طبقات دیگر برخوردار است (ابراهیم، ۱۳۹۰ : ۴۸۳)، ظهور و گسترش طبقه متوسط جدید با دگرگونی تکنولوژی و توسعه آموزش و پرورش و خدمات عمومی همراه بوده و این طبقه، محصول دگرگونی در ساخت اجتماعی و به صورت مشخص، محصول تحرک اجتماعی می‌باشد. در بیشتر جوامع، طبقه انقلابی دستخوش نوسازی طبقه متوسط شهری است. روی آوردن طبقه متوسط جدید به عمل

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

انقلابی، یک عامل تعیین کننده است (هانتینگتون، ۱۳۷۰: ٤٢٣).

در روزهای اعتراضات مردمی در میدان التحریر مصر، ترکیبی از حاشیه نشینان و تهیدستان شهری در کنار طبقه متوسط در آن حضور به هم رساندند. همچنین اسلام گراها در کنار سکولارها و ملی گرایان و چپی ها، و حتی قبطیان مسیحی و احزاب و گروه های مخالف دولت ، کارگران و کارمندان بخش های دولتی و خصوصی و اکثریت جمعیت شهری به ترتیب به انقلاب پیوستند. (saidAly,2012:36)

٤. ٤ جایگاه ایدئولوژی

اسکاچپول پایگاه مشروعیت و قدرت علما را بیش از هر چیز دیگر مدیون ایدئولوژی خاص شیعه می‌داند. اسلام شیعی به عنوان جهان بینی مذهبی از منابع سمبلیک برجسته‌ای برای توجیه مقاومت بر علیه حکومت غیرعادلانه و مشروعیت بخشیدن به رهبران مذهبی به عنوان رقیب دولت برخوردار است. ایدئولوژی شیعه به عنوان آخرین جریان مبارزه علیه شاه و برپایی انقلاب اسلامی به ایفای نقش می پردازد و در این راستا، از اسطوره به شهادت رسیدن امام حسین بعنوان مدلی نو پیش روی مبارزه علیه حاکمیت عمل می کند کمک می کند. وی برای توضییح تاثیر مکتب و ایدئولوژی در انقلاب ایران به منظور پتانسیل اصلی فرهنگ مقاومت و مبارزه، امام حسین را سردمدار این جریان می–داند. بر اساس دیدگاه اسکاچپول اسطوره امام حسین به عنوان یک چارچوب علیه شاه مورد استفاده قرار می‌گیرد و شاه صریحاً برچسب یزید مستبد و اهریمن زمانه می خورد (skocpol,1982 : 275-276).

قابلیت ایدئولوژی اسلام شیعی در اتحاد همه ایرانیان در نگاه اسکاچپول جایگاه ویژه ای دارد برای اینکه اسلام شیعه و رهبری معنوی پایدار آیت ا... خمینی یک مسیر داخلی ملی برای ابراز اعتراض مشترک با شاهی که ارتباط خیلی وسیعی با بیگانگان برقرار کرده بود ارائه می دهد. تا جای که ایرانیان غیر مذهبی نیز می‌توانستند تحت لوای این جریان در انقلاب مشارکت نمایند چرا که اسطوره امام حسین به نوعی الهام بخش شهادت برای مبارزه علیه ظلم و بیداد به شمار می‌آمد. این موضوع از آن رو مورد توجه قرار می گیرد که چگونه اکثر مردانی که کفن به تن کرده اند، برای قبول خطر مرگ در مقابل نیروهای نظامی شاه، اعلام آمادگی می‌نمایند. به طور خلاصه می توان بیان کرد که اسلام شیعی با توجه به سازماندهی

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

کردن و هم به لحاظ فرهنگ سازی درایجاد انقلاب ایران علیه حکومت شاه، نقش بسزایی را به عهده داشته است. روحانیون معتقد به رویکرد انقلابی که تحت امر رهبری انقلاب قرار داشتند، با طرح نظرات و دیدگاههای سیاسی ، شاه و حکومتش را به چالش کشیدند. از این رو کانال ها، شکل بندی های اجتماعی و قهرمانان اساسی اسلام شیعی به سازگار کردن خیزش انبوه مردم در شهر برای ایستادگی در برابر خفقان و قلع و قمع مسلحانه یاری رسانده است. مجموع این قضایا بدین معنی است که یک قسمت خیلی قدیمی از حیات ایرانیان در حال حاضر به صورت جدیدی وضعیت خود را در عرصه اجتماعی و سیاسی نوین و جداگانه آشکار کرده بودند ارائه کننده منبع های سیاسی ضروری برای برقراری یک جنبش انقلابی بهره مند از ظاهری بیاندازه نوین ارائه کرده است (skocpol,1982 : 276-277).

در مقابل در یک نگاه کلی جهت گیری های ایدئولوژیک در انقلاب مصر را می‌توان به چند دسته تقسیم نمود. ادعای اول هیچ نقشی برای ایدئولوژی در انقلاب‌های عربی خصوصا انقلاب مصر قائل نیست. فردیناند مونت به نمایندگی از برخی صاحب نظران بیان داشته همان طور که فوکویاما گسترش لیبرال دموکراسی در جهان را ایده پایان تاریخ مطرح کرده است باید بعد از بهار عربی از پایان ایدئولوژی سخن برانیم (مونت، ۲۰۱۲: ۱۱۲) ادعای دوم بیان می‌داردکه جامعه انسانی بدون ایدئولوژی مانند حیوان بدون غریزه است. نمی‌داند چگونه باید زندگی نماید و یا به چه صورت به حیات خود ادامه دهد، از این رو بیداری جهان عرب را محصول ایدئولوژی می‌داند(رمضان، ۲۰۱۲: ۱۳۳-۱۳۲) ادعای سوم بر خلاف افراط و تفریط دو گروه قبلی بیان می‌دارد که ماهیت ایدئولوژی دراین انقلابات خصوصاً در مصر را می‌توان بر اساس شعار ما و اهداف معترضین تبیین و روشن نمود.

شعارها و اهداف: ۱- سردادن شعارها به خاطر آزادی، دموکراسی یا رفاه اقتصادی - احیای دموکراسی و پایان دادن به رژیم پلیسی و نظام تعهد به اجرای سیاست اقتصادی و اجتماعی نوین در جمعیت دموکراتیک و ضد امپریالیستی(این شعارها بیشتر از طرف جوانان فعال در فعالیت‌های تشکلی مدرن و چپ رادیکال و طبقات متوسط دموکراتیک مطرح می‌گردید) ۲- شعارهای اسلامی و تبلیغاتی که با نمادهایی مثل برپایی نماز جماعت برگزار می‌گردید(مهمترین نمایندگی این جریان را اخوان المسلمین مصر رهبری می‌نمود) بدین ترتیب بر اساس عقیده نظریه پردازان انقلابها، انقلاب بدون ایدئولوژی اساساً دشوار می

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

باشد. اما این واقعیت مهم را نیز می توان از نظر دور داشت که از اهمیت عنصر ایدئولوژی در انقلاب مصر کاسته شده است. به عبارت دیگر ایدئولوژی یکی از موارد مهم در مبانی فکری انقلاب به حساب می آید اما جامعه مصر در این مسیر دچار نوعی حیرانی،سرگشتگی و عدم یکسانی بود و حتی گروه های اسلامگرا نیز یک دیدگاه مشخصی همچون ایده هایی که در انقلاب اسلامی ایران مشاهده گردید از خود بروز ندادند اما مسئله ای که از دیدگاه های مختلف در باب محتوای انقلاب برداشت می گردد این است که در انقلاب مصر با طیف وسیعی از نظرات مختلف مواجه هستیم ، از همین روی نمی توان انقلاب مصر را در مدار یک اندیشه و تفکر خاص قرار داد (هراتی، ۱۳۹۵: ۱۱۳).

۵. ٤ نقش و جایگاه رهبری

به نظر می رسد آنچه بیش از همه در به ثمر رسیدن یک انقلاب از اهمیت بسزایی بر خوردار باشد ، نقش رهبری در انقلاب است. در حقیقت عنصر رهبری یکی از مهمترین اضلاع اصلی انقلاب به شمار می آید که در صورت عدم شناخت در این امر ، رخداد انقلاب با مصائب و مشکلات فراوانی مواجه می گردد. بنابراین اگر سه فاکتور مهم یعنی عدم رضایت ، ایدئولوژی جایگزین و روحیه انقلابی در میان مردم یک جامعه پدیدار گردد اما در مقابل اگر جامعه از نهادهای بسیج گر محروم بماند و نتواند مردم را در راستای اهداف انقلاب بسیج نماید ، پیروزی انقلاب غیر ممکن به نظر می رسد. از همین روی برای به ثمر رسیدن موفقیت انقلاب ، رهبری بعنوان یک رکن مهم از ارکان مهم انقلاب می تواند به نارضایتی ها جهت داده و با استفاده از ایدئولوژی جایگزین هدایت انقلاب را در دست گیرد. (هراتی، ۱۳۹۱: ۲۳٦).

برای درک این مسأله که کدام یک از رهبران سیاسی در تحکیم قدرت دولت در یک وضعیت اجتماعی به پیروزی خواهد رسید نمی توان این سوال را مطرح نمود که کدام یک از رهبران از مدل های غربی یا حتی مدرن‌تر پیروی می کنند بلکه باید پرسید که کدام یک از آنها دارای منابع سیاسی مناسب در شرایط سیاسی مشخص می‌باشند یا اینکه کدام یک می‌تواند به آسانی به چنین منابعی دست یابند. در ایران بعد از برافتادن شاه و فروپاشی بخشی از حکومت او، این روحانیون شیعه تندرو بنیادگرا بودند که به رهبری آیت‌الله خمینی و با سازماندهی

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

آیت‌الله محمّد بهشتی، تحت حزب جمهوری اسلامی، منابع لازم را برای غلبه بر حکومت به عنوان ایجادکنندگان دولت انقلابی بوجود آوردند(skocpol,1982 : 279).

توان رهبری انقلاب ایران در متحدکردن نیروهای مخالف شاه از منظر اسکاچپول فراتر از هویت مذهبی ایرانیان تصور شده است چرا که رهبری آیت‌الله خمینی با رویکردی اخلاق محور یک راه بومی ملی برای بیان مخالفت مشترک اپوزیسیون ضدشاه که به خارجیان بیش از حد نزدیک بود، فراهم آورد، تا جایی که حتی ایرانیان سکولار و غیرمذهبی نیز می‌توانستند تحت این عناوین در انقلاب مشارکت نمایند (skocpol,1982: 279). به عبارت دیگر مهمترین دستاورد قیام ژوئن، ظهور [آیت‌الله خمینی] به عنوان یک رهبر سیاسی- مذهبی بود. مواضع ضدآمریکایی و ضدیت با صهیونیسم، اعتراض بر ضدشاه و نهایتاً تأکید ایشان بر دین اسلام، جمعیت قابل ملاحظه‌ای را به دور ایشان گردآورد .... با تبعید [آیت‌الله خمینی] ویژگی‌های شخصیتی او همچون جسارت در رویارویی با شاه، رهبریت معنوی، قابلیت تکلم به زبانی قابل فهم برای مردم عادی و توانایی متحدساختن گروه‌های مختلف با یکدیگر، در ذهن ملت یکجا گردهم آمد و از او اسطوره‌ای ملی ساخت (میلانی، ۱۳۸۸: ۱۱۷).

اسکاچپول منابع فرهنگی و ایدئولوژی را دو منبع مهم برای رهبران روحانی و رهبری انقلابی در نظر می گیرد. منبع نخست به عنوان یک کانون محوری پیوسته برای رهبری انقلابی با حمایت مشتاقانه مردمی برای ظهور امام دوازدهم جلوه گر می‌گردید و منبع دومی بر تفسیر سیاسی انقلابی از نقش اسلام و رهبری روحانیون، توسط امام خمینی پرورده و گسترش پیدا کر(skocpol,1982 : 279).

امام خمینی در سال‌های ٥٦- ١٣٤٢ بعنوان یک ایدئولوگ نقش مهمی را ایفا نمود. اصولی که وی در مسیر مبارزه ترسیم کرد از ابعاد مختلفی برخوردار بود: ١- تفکیک ناپذیری دین از سیاست ٢- وجوب کوشش برای استقرار حکومت اسلامی ٣- برجسته‌نمودن ابعاد اجتماعی و سیاسی اسلام و اینکه دین اسلام یک دین مترقی و همه جانبه است ٤- تقابل اسلام با شبه مدرنیسم به عنوان ایدئولوژی برتر. بنابراین در برقراری رابطه میان دین و سیاست، شریعت ضوابط و اصول کلی آن را مشخص می‌کند تا از این مجرا راه برای تکامل انسان هموار گردد (فوزی، ۱۳۸۹: ۱۰۰-۵۸).

در واقع، مهمترین منبع بسیج‌کننده در انقلاب ایران و سمت و سو دهنده به این بسیج،

فصلنامه علمی -پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

رهبری امام خمینی (ره) بود. دلیل این امر، از یک سو به مرجعیت مذهبی امام در میان گروه‌های اسلام‌گرا و سازش‌ناپذیری ایشان در برابر شاه باز می‌گشت و از سوی دیگر، ناشی از پذیرش رهبری ایشان در میان دیگر گروه‌ها بود (پورسعید، ۱۳۹۰: ۱۸۳). در انقلاب مصر نیز ، شخصیت‌های سیاسی، نظامی و فرهنگی متعددی بودند که هر کدام به نوعی در وقوع انقلاب تأثیرگذار ظاهر شدند. اما نقطه مشترک در مورد این افراد، عدم پذیرش و مقبولیت یک فرد به عنوان رهبر از طرف اکثریت معترضین بود. محمدالبرادعی، محمد بدیع (رهبر اخوان المسلمین)، ایمن نور (رئیس حزب فردا و رقیب مبارک در انتخابات ریاست جمهوری مصر)، وائل غنیم (از رهبران جنبش جوانان شش آوریل) عمر موسی و برخی رهبران «جنبش کفایه» نام هایی هستند که با نام انقلاب مصر عجین شده‌اند و هر کدام حمایت بخشی از معترضین در برابر حکومت را به عهده داشتند. لذا بر خلاف انقلاب ایران انقلاب مصر فاقد رهبری منسجم مذهبی بود و رهبران مذهبی که پس از وقوع جنبش به صف مخالفان پیوستند از یک پایگاه اجتماعی ای که به لحاظ رویکردهای اعتقادی بتوانند بسیج فراگیر مردمی را بوجود بیاورند محروم بودند. (ابراهیمی پور،مسعودنیا،امام جمعه زاده،۱۳۹۳: ۱۶)

انقلاب مصر «به لحاظ رهبری، بیشتر به جنبش‌های نوین اجتماعی شبیه است تا جنبش‌های کلاسیک. از جمله تفاوت‌های جنبش‌های جدید اجتماعی و جنبش‌های کلاسیک یا قدیم، نبود رهبری آوانگار (یا حزب پیش‌گام) در رأس جنبش است. در این جنبش‌ها، رهبری صفتی جمعی و غیرمتعین در شخص خاص می‌باشد و جنبش اجتماعی، پیش از آنکه حول یک فرد جمع شود، حول ایده‌ای خاص مثل برابری خواهی، حقوق بشر یا دموکراسی خواهی، بسیج و جمع می‌شود این وضعیتی است که در انقلاب مصر به وضوح قابل مشاهده است» (پورسعید، ۱۳۹۰: ۱۸۳).

البته فقدان یک رهبر یا رهبران مشخص به این معنا نمی‌باشد که انقلاب مصر بدون سازماندهی و رهبری رخ داده است. سازماندهی در ابتدا به وسیله شبکه‌های نوین ارتباطی و فعالان جنبش شش آوریل، و در ادامه همراهی تشکیلات، گروه‌ها و احزاب سیاسی بعلاوه اتحادیه‌ها و مساجد پیدا کرد.

«انقلابیون مصر از طریق شبکه‌های اجتماعی مجازی همچون فیس بوک و تؤتیتر به طور مرتب آخرین اخبار و رویدادها را با هم مبادله کرده و قرارهای جدید می‌گذاشتند، سایت‌های

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

انتقادی را علیه رژیم ایجاد و از طریق پیام‌های کوتاه تلفن همراه، فراخوان‌های تجمعات و شعارها را اطلاع‌رسانی می‌کردند. همین امکانات جدید ارتباطی به محلی برای سازمان‌یابی انقلابیون تبدیل شد» (همان: ۱۹۰).

٦. ٤ ارتش و دستگاه سرکوب

اسکاچپول در نظریه پیشین خود درباره انقلابات اجتماعی و نقش ارتش معتقد بود که انقلابات اجتماعی در کشورهایی رخ خواهد داد که ارتش و نیرو های نظامی آنها به علت شکست یا شکست های نظامی در یک جنگ به منتهی الیه ضعف رسیده و علاوه بر این قدرت‌های رقیب خارجی نیز ارتش را زیرفشار قرار داده، به صورتی که قدرت سرکوب شورش از طرف آنها سلب شده باشد. اما وی در نظریه جدید خود در یک عقب‌نشینی آشکار عدم‌نفوذ ارتش و پلیس شاه و ناکارآمدی آنها انقلاب را موجب تضعیف رژیم شاه می‌داند (skocpol,1982 : 266).

در یک نگاه کلی علل ناکامی ارتش پهلوی در حفظ سلطنت را می‌توان به موارد زیر تقسیم نمود: ۱- ساخت استبدادی و فردگرایانه رژیم شاه در ارتش ۲- تضاد و ناهمگونی در ارتش ۳- همزات پنداری فرهنگی- مذهبی بدنه ارتش و مردم ٤- استراتژی رهبر انقلاب برای تفکیک ارتش از شاه (هراتی و مظفری، ۱۳۹۲: ۱٤۸-۱٤٤).

بنابراین از مهم‌ترین عوامل گرایش نظامیان به انقلاب ایران، رویکرد خردمندانه رهبری انقلاب در مواجه با نیروی نظامی بود که زمینه یک رفتار عاطفی بین مردم و ارتش را در راستای اهداف انقلابی برقرار نمود اما در مقابل این جریان عاقلانه و متفکرانه رهبری انقلاب، نیروهای مسلح شاه با توجه به اینکه وضعیت بحرانی را سپری می‌نمودند خروج شاه ضربه پایانی را بر ساختار ارتش وارد آورد و ارتش را تا مرحله‌ی فروپاشی و اضمحلال سوق داد.

ارتش در همه کشورها باید همچون پاسدار صاحبان قدرت سیاسی فعال باشند اما در مواقعی نیروهای نظامی عملا اقتدار رهبران کشور را به مبارزه می طلبند . اگر نظامیان نیرومند تر از سازمان های غیر نظامی باشند یا چنانچه مورد پشتیبانی حکومت های بیگانه قرار گیرند، قدرت دخالت های بی موقع در سیاست پیدا خواهند نمود .

در یک تقسیم بندی کلی ارتش مصر از آغاز درگیری ها و اعتراضات تا کناره گیری

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

رسمی حسنی مبارک ، به ترتیب دو گونه بازیگری (مدیریت بحران) و (مدیریت سیاسی) را به نمایش گذاشت.(سلطانی نژاد و سازمند،۱۳۹۲:۱۱٤) بنا به نظر شاهدان و ناظرانی که حوادث انقلاب مصر را گزارش می‌کردند ارتش نقش مبهم و متناقضی در مقابله با اعتراضات مردمی از خود بروز داده است. با وجوداینکه ارتش مصر بخشی از رژیم محسوب می-گردید، آنها تا واپسین روزهای انقلاب هم در سنگر دولت و هم در کنار مردم حضور داشتند. ارتش تأکید می‌کرد که درخواست‌های مردم را مشروع می‌داند و هیچ اقدام نظامی علیه مردمی که علیه فساد به پا خواسته‌اند و خواستار اصلاح وضع موجودند انجام نخواهند داد. اما از طرف دیگر، ارتش همچنان بر لزوم از سرگیری کارهای روزانه در نهادهای دولتی و عادی‌شدن زندگی مردم تأکید می‌کرد. به عبارت دیگر ارتش مصر در همان نخستین روزهای آغاز تجمعات اعتراض‌آمیز یعنی اول فوریه (۲۰۱۱) با صدور بیانیه‌ای رسمی اعلام بی‌طرفی نمود و اطمینان داد علیه تظاهرکنندگان به زور متوسل نخواهد شد و خواسته‌های مردم مصر را که از یک هفته پیش در خیابان‌های این کشور علیه دولت تظاهرات می‌کنند قانونی می‌داند (پورسعید، ۱۳۹۰: ۱۷٤). در این بیانیه نه نامی از رئیس جمهور و نه معاون اول وی دیده می شد لذا این بیانیه در جهان عرب به عنوان اولین نشانه های کودتای نظامی علیه رژیم یک حاکم تلقی می گردید.(lutterbeck,2012:38)

زمانی بحران سلطه و استیلا در نظام سیاسی مصر محسوس می‌شد که ارتش تحت تأثیر اعتراضات و مخالفت‌های مردمی در ژانویه سال (۲۰۱۱) نسبت به مخالفان نظام با مدارا و تساهل رفتار نمود تا جایی‌که ارتش اعلام کرد خواسته‌های مردمی مصر را به رسمیت می‌شناسند و از زور در برابر آنها استفاده نخواهد کرد (مسعودنیا، ۱۳۹۱: ۱۷۷). به طور کلی می توان گفت ارتش مصر در اعتراضات ژانویه ۲۰۱۱ با مشاهده موج اعتراضات علیه حکومت مبارک از در خشونت وارد نگردید تا جای که انقلاب مصر کمتر از ۹۰۰ نفر تلفات انسانی داشت که در تاریخ انقلابات جهانی کم نظیر است . (ساجدی و رنجبر،۱۳۹٤: ٦٥)

۷. ٤ عدم پیش بینی انقلاب

در حقیقت با وجود تعداد نسبتاً زیاد تئوری و مدل‌های نظری برای تبیین انقلابات کلیه نظریه پردازان و محققان حوزه انقلاب در این نکته اتفاق نظر داشته‌اند که وقوع جنبش انقلابی

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

در اواخر دهه ۱۹۷۰ میلادی در ایران تقریباً همه ناظران را از ژورنالیست‌ها و دیپلمات‌ها گرفته تا اندیشمندان ایرانی و نظریه پردازان تغییرات اجتماعی جهان سوم به تحیر افکند (فوران، ۱۳۷۵ : ۱۸٦).

اسکاچپول نیز در خصوص زیر سوال رفتن نظریه و دیدگاه خودش درباره انقلاب اسلامی ایران معتقد است که سقوط شاه ایران، پیروزی و حرکت انقلاب ایران میان سال‌های ۱۹۷۷ و ۱۹۷۹ تعجب تحلیل گران خارجی را به دنبال داشت، از دوستان آمریکایی شاه تا روزنامه‌نگاران و صاحب‌نظران سیاسی و متفکران دانش اجتماعی من جمله افرادی چون خود من که تحت عنوان متفکران انقلابات شناخته شده هستند،با شگفتی و تعجب این حوادث را رصد می کردیم. تا جای که برخی از این متفکرین مشتاق بودند تا به تجزیه و تحلیل واقعیت‌های اجتماعی سیاسی ایران بپردازند. برای من این رویکرد غیرقابل اجتناب بود، چرا که انقلاب ایران از برخی جنبه‌ها برای من رخدادی خلاف غیرعادی و غیر معمول به نظر می رسید. بی شک این انقلاب نوعی انقلاب اجتماعی است اما ظهور این انقلاب عی الخصوص در حوادثی که به سقوط شاه منجر شد باعث به چالش کشیده شدن پیش بینی‌هایی گردید که من در بررسی مقایسه‌ای – تاریخی انقلابات فرانسه، روسیه و چین بیان نموده بودم (skocpol,1982 : 264).

شانزده ماه قبل از فروپاشی حکومت پهلوی در ایران، رئیس جمهور وقت آمریکا جیمی کارتر در دی ماه ۱۳۵۷، ایران را به عنوان جزیره ثبات در یک دریای پرتلاطم ترسیم کرد (بیل، ۱۳۷۱: ۳۷٤) حتی کارتر در ۲۱ آذر ۵۷ گفته بود که شاه قدرت رادرایران حفظ خواهد کرد و مشکلات فعلی نیز حل می‌شوند (همان: ۳۷٤).

صاحب نظران بر این امر توافق دارند که از جمله دلایل پیروزی انقلاب اسلامی ایران، عدم پیش بینی وقوع آن از طرف سیاست مداران و کارشناسان غربی بود. و به غافلگیری آنان منتج گردید. علی رغم نفوذ و فعالیت گسترده سازمان‌های جاسوسی بزرگ جهان اعم از سازمان جاسوسی آمریکا (سیا) موساد اسرائیل و اینتلیجنت سرویس انگلیس و ک. گ . ب. شوروی در ایران. هیچ یک نتوانستند انقلاب در حال شکل گیری را پیش بینی کنند (محمدی، ۱۳۸۰: ۱۷–٦).

سرگردانی و حیرانی تحلیل گران غربی و عدم تحقق پیش بینی‌های آنها را حتی در ادامه

فصلنامه علمی -پژوهشی پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

و استمرار انقلاب و نیروهای انقلابی شاهد هستیم. اسکاچپول درباره نوع تحلیل‌ها و پیش بینی‌های این تحلیل گران غربی درباره آینده پس از پیروزی انقلاب ایران می‌نویسد: « عده زیادی از تحلیل گران غربی امید داشتند که لیبرال‌هایی با گرایش به غرب رژیم جدیدی را به وجود آورند . اما به همان صورت که ماههای ۱۹۷۹ ادامه یافت و به دنبال آن لیبرال‌های جبهه ملی تماما جای خود را به طرفداران روحانی و غیر روحانی نوعی جمهوری اسلامی واگذار نمودند که در قانون اساسی جدید آن، اختیارات نامحدودی برای رهبر مذهبی برجسته و فقها در نظر گرفته شده بود. تحلیل گران غربی به روشنفکران تحصیل کرده‌ای که در اتحادی لرزان با حزب جمهوری اسلامی تحت امر روحانیون فعالیت می‌کردند حکومت را در اختیار بگیرند دل بسته بودند. این احتمال وجود داشت که روحانیون، آیت ا... ها و برخی دیگر از ایرانیان برخوردار از تحصیلات سنتی، افرادی واپسگرا می باشند و به لحاظ تخصصی از صلاحیت لازم برای اداره یک نظام سیاسی برخوردار نباشند. عی الخصوص پس از حمله عراق به ایران، رهبری نظامی تخصص و حرفه‌ای باید دوباره برقرار می شد. احتمال وقوع دوباره روی کارآمدن « تکنوکرات‌ها» در ایران در رسانه‌های غربی از سر گرفته شد. بر اساس پیش‌بینی‌های به عمل آمده از آنجا که جمهوری خواهان با گرایشات لیبرالی شکست خورده بودند نیروهای برخودار از آموزش‌های تخصصی مانند افسران ارتش یا بوروکرات‌های دولتی قادر بودند در جانشینی روحانیون موفق ظاهر شوند. اما این تحول به هیچ وجه روی نداد. بدین ترتیب اکثر تحلیل گران غربی از موفقیت مرحله به مرحله روحانیون شیعه و طرفدارانشان در برقراری سلطه فرهنگی و سیاسی خود به عنوان حافظان انقلاب ایران شگفت زده بودند (skocpol,1982 : 278).

از سویی دیگر هنگامی که در دسامبر ۲۰۱۰ م اعتراضات مردمی در شهر کوچک سیدی بوزید تونس آغاز گردید، هیچ محققی نمی توانست پیش بینی نماید که در ظرف دو ماه دو رژیم اقتدارگرای بن‌علی و مبارک در تونس و مصر بواسطه اعتراضات مردمی از هم فروپاشد. پیش‌بینی وقوع این اعتراضات و شورش های مردمی، نه تنها برای فعالان سیاسی جهان غرب بلکه برای اندیشمندان و محققان حوزه انقلاب‌ها و جنبش‌های اجتماعی که در دهه‌های اخیر مجهز به ابزارهای نظری و تجربی سودمندی نیز شده بودند میسر نشد و همه آنها را بهت و حیرت فراگرفت. حیرتی که هم به عدم پیش بینی این وقایع و هم به ماهیت و علل آنها مربوط

انجمن مطالعات جهان اسلام
Islamic World Studies Association
جمعیة دراسات العالم الاسلامی
فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

می‌شد (عظیمی دولت آبادی، ۱۳۹٦: ۲).

روی کاساگراندا استاد دانشگاهی از تکزاس درباره اعراب و تحولات کشورهای غربی اظهار نمود که شهروندان آمریکایی شناخت کمی از خاورمیانه دارند و من احساس کردم که باید تصویری روشن از آنچه در حال وقوع بود ارائه دهم ... کشور[ی] که بخاطرش امیدهای فراوان در دل داشتم و شانس کمی برایش می‌دیدم، غیرممکن را ممکن ساخته بود. این کشور مبارزه خود برضد رئیس جمهور حسنی مبارک را درسی‌امین سال روی کاربودن وی آغاز کرده بود (کاساگرندا، ۱۳۸۹: ۱۰۹).

از طرفی اندیشه سیاسی اهل سنت هر گونه قیام علیه فرمانروای جائر و ستمگر را نامشروع می داند لذا اگر رهبری، جریان مبارزه علیه حاکم ظالم را بر عهده بگیرد و مردم را به سمت انقلاب سوق دهد مشروعیتی ندارد (هراتی، ۱۳۹۱: ۲٤٤). بنابراین با این سابقه اعتقادی و فکری اگر بخواهد حرکتی علیه حکومت شکل بگیرد با فتوی علمای اهل تسنن مبنی بر عدم خروج علیه حاکمیت خنثی خواهد شد. با این سابقه فکری کمتر کسی تصور می‌کرد که این خیزش عربی رخ دهد: چرا که بسیاری از تحلیل‌گران مردم عرب را مردمی مطیع می‌دیدند و بخت چندانی برای تحولات دموکراتیک در آن متصور نبودند (پناهی، شجاعی باغینی، ۱۳۹٦: ۱۰۱).

۸. ٤تحلیل ارادی انقلاب

اسکاچپول در نظریه قدیم خود در کتاب دولت‌ها و انقلابات اجتماعی به مؤلفه‌هایی چون رهبری، ایدئولوژی، کارگزاران تاریخی و کنشگران و احزاب سیاسی چندان توجهی نمی‌کند. در این دیدگاه انقلاب جنبه دترمنیستی پیدا می‌کند و دخالت انسانی به حاشیه رانده می‌شود. به عبارت دیگر وی ارادی‌بودن انقلاب‌ها را رد و تفسیر انقلاب را مبتنی بر عوامل ساختاری و از پیش تعیین شده بر می‌شمارد.

اما انقلاب اسلامی ایران و مؤلفه‌هایی برآمده از آن سبب گردید تا اسکاچپول نظریه خود را مورد بازبینی قرار دهد. چرا که این انقلاب سهم بزرگی بر نقش رهبری و ایدئولوژی در پیروزی ایفا نموده است.

در واقع اگر بتوان یک انقلاب را در طول تاریخ در نظر گرفت که به صورت آگاهانه

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

توسط یک نهضت اجتماعی مردمی برای واژگونی نظام قدیم بوجود آمده باشد، به طور حتم آن انقلاب، انقلاب ایرانیان علیه محمد رضا شاه بوده است (skocpol,1982 : 267).

وی در ادامه می‌افزاید که در پایان سال ۱۹۷۸ همه اجزاء جامعه شهری ایران ریر نفوذ اسلام شیعی با هم به وحدت رسیده و در تحت رهبری یک روحانی عالی‌مقام شیعه یعنی آیت‌الله خمینی (ره)، در مخالفتی سازش ناپذیر با شاه و همه کسانی که پیوند خود را با او حفظ کرده بودند درآمدند. به دنبال زنجیره ای از تظاهرات شهری توده‌ای و اعتصاب‌های بی‌سابقه که مداوم در حال گسترش بود و حرارت انقلابی آن علی‌رغم سرکوب بی‌رحمانه ارتش وسعت می‌یافت، بیکاران، کارگران و صنعتگران، دانشجویان، بازرگانان و مقامات رده میانی ایرانی را به مبارزه علیه شاه سوق داد (skocpol,1982 : 267).

از نکات برجسته و مهم در انقلاب ایران برای ردیابی عناصر ومولفه های تحلیل ارادی از نگاه اسکاچپول، توجه و استفاده از عنصر ایدئولوژی در کنار رهبری با حضور توده های عظیم در جنبش انقلابی است اما نکته حائز اهمیت درانقلاب مصر حضور مردم بدون عنصر رهبری و عدم یک ایدئولوژی یکدست و پویا برای انقلاب مصر است. به عبارت دیگر یکی ازعوامل غایب در انقلاب مصر نبود عنصر رهبری و ایدئولوژی در پیوند با اعتاضات مردمی در انقلاب مصر بود.

متغیرهای موردمطالعه درباره انقلاب ایران و مصر به تأکید بر نظریه دولت رانتیر اسکاچپول

مورد	دولت رانتیر	مدر نیزاسیون	شهر کانون مقاومت سیاسی	جایگاه ایدئولوژی	نقش رهبری	ارتش و دستگاه سرکوب	پیش بینی انقلاب	تحلیل ارادی انقلاب	نتیجه
ایران	دولت رانتی	وجود نوسازی	انقلاب شهری	ایدئولوژی مشخص	نقش رهبری مشخص	فروپاشی نسبی ارتش قبل از انقلاب	عدم پیش بینی انقلاب	انقلابی ساخته شده	انقلاب اجتماعی
مصر	دولت شبه رانتی	وجود نوسازی	انقلاب شهری	عدم ایدئولوژی مشخص	عدم وجود رهبری مشخص	عدم فروپاشی ارتش قبل از انقلاب	عدم پیش بینی انقلاب	انقلابی دفعی و زودهنگام	انقلاب سیاسی

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش گردید به این سوال پاسخ داده شود که تبیین انقلاب مصر(۲۰۱۲) و ایران (۱۹۷۹) بر اساس دیدگاه جدیدی که اسکاچپول از انقلاب اسلامی ایران ارائه داده است تا چه حدی بوده است؟ مشترکات و تفاوتهای این دو انقلاب چگونه قابل بررسی می باشد؟ شباهت ها و تفاوتهای آشکاری در بررسی انقلاب اسلامی ایران و انقلاب مصر بر اساس نظریه دولت رانتیر (اسکاچپول) به دست آمده است. با کمی تسامح می توان اشاره کرد که دولت مصر همانند حکومت قبل از انقلاب ایران در زمره دولتهای رانتی به حساب می آید که از رانت دولتی برنامه مدر نیزاسیون را در جامعه مصر به اجرا می گذارد. البته به نظر می رسد برنامه های نوسازی در ایران شدت بیشتری نسبت به مصر داشته است اما در فرایند به کارگیری و به اجرا در آمدن آن،تفاوتی ماهوی میان این دو انقلاب وجود نداشته است. با توجه به این سیاست های اقتصادی، اجتماعی و آموزشی برایند حر کت های انقلابی نمی تواند در جای غیر از شهر که کانون مقاومت طبقات و اقشار مختلف است اتفاق بیفتد.بنابراین وجود یک ایدئولوژی پویا وهمه پسند منشعب از بافت فرهنگی و اجتماعی–سیاسی یک جامعه از طریق بیانات و راهکارهای فکورانه و هوشمندانه یک رهبر سیاسی □ مذهبی برآمده از دل سنت های آن جامعه و آشنا به مسائل جهانی و همچنین اشراف به اوضاع داخلی، می تواند مقبولیت لازم را برای پیشبرد اهداف انقلابی آن جامعه تا رسیدن به اهداف مطلوب به دست آورد. مساله ای که بر خلاف انقلاب ایران در انقلاب مصر مشاهده نگردید و نبود آن ضربه سنگینی به انقلاب نوپای مصر وارد آورد. قدرتی که از پیوند ایدئولوژی و رهبری به دست خواهد آمد می تواند موانع و حصار ها را از پیشروی اهداف انقلابی در مواجهه با حکومت وقت خصوصا نیروی نظامی و دستگاه سر کوبگر آن بردارد به طوری که در انقلاب ایران موجبات نسبی فروپاشی ارتش را فراهم آورد. بر خلاف انقلاب ایران ارتش مصر در مقابل تحرکات انقلابی از خود واکنش محطاطانه تری بروز داد و به نوعی حرکت انقلابی مردم مصر را تایید نمود و از این طریق جلوی لطمه به جایگاه ارتش را گرفت. اما در فرصت مناسب با یک کودتا حرکت انقلابی مردم مصر را عقیم گذاشت از شباهت های مهم این دو انقلاب عدم پیش بینی این وقوع و رخداد این دو انقلاب توسط صاحب نظران تئوری های انقلاب و سیستم‌های بین المللی □ امنیتی کشور های صاحب بر خوردار از منافع در رابطه با

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

حکومت های قبل از انقلاب در این دو کشور است. نتایج حاکی از آن است که انقلاب مصر در برخی از زمینه‌ها بر اساس نظریه اسکاچپول با انقلاب ایران همخوانی دارد و در برخی از آن تفاوت‌های چشمگیری وجود دارد، بنابراین بر اساس این تفاوت ها انقلاب مصر نتوانست از مدار انقلاب سیاسی عبور کند و به یک انقلاب اجتماعی بدل گردد.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

کتاب‌نامه

۱. ابراهیم، سعدالدین(۱۳۹۰). کتاب بیداری اسلامی(دلایل و ریشه ها). تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین المللی ابرار مقاصد تهران.

۲. ابراهیمی،حوا. مسعودنیا، حسین. امام جمعه زاده،سید جواد.(۱۳۹۳). «ماهیت شناسی تحولات سال ۲۰۱۱ شمال آفریقا؛ به مثابه جنبش های اجتماعی جدید» . فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام ، سال چهارم ، شماره ۱۲ ، صص ۲۶-۱

۳. اسکاچپول ، تدا (۱۳۷۶). دولتها و انقلابات اجتماعی ، ترجمه رویین تن ، تهران : سروش.

٤. اشرفی، اکبر؛ سلامت، طیبه (۱۳۹٤). رهبری و حفظ انقلاب در ایران و مصر، تحلیلی بر نقش محمد مرسی در شکست انقلاب مصر، جستارهای سیاسی معاصر، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ششم، شماره ۲، صص ۱۱۷-۱۰۱.

۵. بشیریه، حسین (۱۳۸٤). گذر به دموکراسی، تهران: نگاه معاصر.

٦. بشیریه، حسین (۱۳۸۷). انقلاب و بسیج سیاسی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

۷. بیل، جیمز(۱۳۷۱). عقاب و شیر: تراژدی روابط ایران و آمریکا، ترجمه مهوش غلامی، تهران: نشرکوچه.

۸. پناهی، محمدحسین (۱۳۹۱). نظریه¬های انقلاب: وقوع، فرآیند و پیامدها، تهران: انتشارات سمت.

۹. پورسعید، فرزاد (۱۳۹۰). «بررسی مقایسه¬ای انقلاب اسلامی و انقلاب مصر»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۵۲، صص ۱۹۸- ۱۵۹.

۱۰. پورسعید، فرزاد(۱۳۹۰). بررسی مقایسه ای انقلاب اسلامی ایران و انقلاب مصر. فصل نامه مطالعات راهبردی، سال چهاردهم. ش۲.

۱۱. حاجی ناصری، سعید. اسدی حقیقی، سید ابراهیم(۱۳۹۱). واکاوی نقش طبقه متوسط جدید در جنبش اجتماعی مصر. فصل نامه روابط خارجی. سال چهارم. ش ٤. ص ۱۹۷-۲۳٤.

۱۲. دفرونزو، جیمز(۱۳۸۷). انقلاب اسلامی ایران از چشم اندازهای نظری. ترجمه حمیرا مشیرزاده، تهران: باز

۱۳. رفیع پور، فرامرز(۱۳۷۷). توسعه و تضاد، تهران: سهامی انتشار.

۱٤. زکریا، فرید (۱۳۸۹). ریشه های انقلاب مصر مهرنامه،شماره ۹، اسفند، صص۳۳-۳۲.

۱۵. ساعی، علی (۱۳۸٤). «تحلیل جامعه¬شناختی فرایند مردم سالاری در ایران»، رساله‌ی دکتری جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی.

۱٦. ساجدی،امیر . رنجبر، رحمان (۱۳۹٤) «نقش و جایگاه نظامیان مصر در تحولات انقلاب ژوئیه ۲۰۱۱» ، فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام،سال پنجم ، شماره ۱ صص ۷٦-۵۱

۱۷. سلطانی نژاد،محمد. سازمند،بهاره (۱۳۹۲). «از انقلاب تا کودتا: مناسبات نظامی،مدنی در مصر جدید» . فصلنامه پژوهشهای سیاسی جهان اسلام ، سال سوم ، شماره ۸ .صص ۱۲۵-۱۰۵

۱۸. شکاری، عبدالقیوم(۱۳۷۹). نظریه دولت تحصیلدار و انقلاب اسلامی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

۱۹. شهر کانون مقاومت سیاسی فراتی، عبدالوهاب(۱۳۷۹) رهیافت های نظری برانقلاب اسلامی، قم، معارف.

فصلنامه علمی -پژوهشی
پژوهشهای سیاسی جهان اسلام

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

۲۰. شیرازی، حبیب الله و مینا رسولی (۱۳۹۰). کالبد شکافی جنبش مصر، فصلنامه دانشنامه، دوره ٤، شماره۲، صص ۸۱-۹۳.
۲۱. شیراوند، مهران(۱۳۸۷). صعودنافرجام: تحلیل برآوردهای نفتی برفروپاشی رژیم پهلوی، تهران: سازمان چاپ و انتشارات.
۲۲. طالبان، محمدرضا(۱۳۹۳). معمای پیش بینی انقلاب¬ها، تهران:پژوهشکده امام خمینی و انقلاب .
۲۳. طاهری، ابوالقاسم و صفاری امان، سارا (بی¬تا). «تأثیر دولت رانتیر بر دموکراسی در ایران «پهلوی دوم». فصلنامه تاریخ، سال چهارم، شماره دوازدهم.
۲٤. طبیبیان، محمد (۱۳۷۱). رانت اقتصادی به عنوان یک مانع اقتصادی، برنامه و توسعه، شماره ٤.
۲۵. عظیمی دولت آبادی، امیر (۱۳۹٦). انقلاب در کشورهای عربی، تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی.
۲٦. فوران، جان (۱۳۵۷). انقلاب ایران، چالشی بر تئوری اجتماعی، فصلنامه حضور، شماره ۱۸، صص ۱۸٤-۲۰۷
۲۷. فوران، جان (۱۳۸۸). نظریه¬پردازی انقلاب¬ها، ترجمه فرهنگ ارشاد تهران: نشر نی.
۲۸. فوزی، یحیی (۱۳۸۹). اندیشه سیاسی امام خمینی (ره). قم: نشر معارف.
۲۹. قزوینی حائری، یاسر(۱۳۹۰). سونامی در جهان عرب، تهران: انتشارات امیرکبیر.
۳۰. کاتوزیان، محمدعلی همایون(۱۳۷۲). استبداد، دموکراسی و نهضت ملی. تهران: مرکز.
۳۱. کشاورز شکری، عباس و عابدینی نجف آبادی، الهه(۱۳۹٤) آسیب پذیری دولت حسنی مبارک و بسیج انقلابی در مصر، جامعه شناسی سیاسی جهان اسلام. سال سوم. شماره۱.
۳۲. گلدستون، جک(۱۳۸۷). مطالعه نظری، تطبیقی و تاریخی در باب انقلاب ها، ترجمه محمدتقی دلفروز، تعاون: کویر.
۳۳. لوچانی، جاکومو(۱۳۹۱). « رانت نفتی، بحران ملی دولت و دموکراسی در خاورمیانه» ترجمه محمد تقی دلفروز، در جامعه مدنی و دموکراسی در خاورمیانه، تهران: فرهنگ جاوید. ۹۱-٦٦.
۳٤. محمدی، منوچهر(۱۳۸۰). انقلاب اسلامی، زمینه ها و پیامدها، قم: نشر معارف اسلامی.
۳۵. مسعودنیا، حسین (۱۳۹۱). بررسی عوامل سقوط حسنی مبارک و چشم¬انداز تحولات کشور مصر، دو فصلنامه علمی- پژوهشی دانش سیا، سال هشتم، شماره اول، بهار و تابستان.
۳٦. میلانی، محسن (۱۳۸۸). شکل¬گیری انقلاب اسلامی ایران، ترجمه مجتبی عطارزاده، چاپ هشتم، تهران: نگاه نو.
۳۷. هراتی، محمدجواد(۱۳۹۵). تفاوت نقش و جایگاه ایدئولوژی در تحولات ایران و مصر، فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال ششم، شماره ۲۱، زمستان.
۳۸. هراتی، محمدجواد (۱۳۹۱). «تفاوت نقش و جایگاه رهبری در انقلاب اسلامی ایران و جنبش بیداری انقلاب مصر»، فصلنامه علمی- پژوهشی، مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، شماره ۲۸، صص ۲۵۲- ۲۳۳.

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]

۳۹. هراتی ، محمد جواد ، قاسمی ، بهزاد ، (۱۳۹۵) وجوه تمایز نهضت های انقلابی و جنبش های افراطی در جهان اسلام ، فصلنامه پژوهش های سیاسی جهان اسلام ، سال ششم ش ٤ صص ۱۷۳-۱۹۲
٤۰. هراتی، محمدجواد؛ ظفری، محمود (۱۳۹۲). تفاوت نقش و جایگاه ارتش در فرآیند انقلاب اسلامی ایران و تحولات (۲۰۱۱) مصر، فصلنامه علمی- پژوهشی پژوهشنامه انقلاب اسلامی، سال دوم، شماره ۸، صص ۱۵۵-۱۳۹.
٤۱. هودشتیان، عطاء (۱۳۸۰). مدرنیته، جهانی‌شدن و ایران، تهران: چاپ پخش.

42. B261wih. Luciani,G (1987). The Rentier state, London, crom helm
43. Keddie,nikki,1982.comments on skocpols Article Rentirest and shia islam in the Iranian Rev theory and society.11:3
44. Mount, Ferdinand.(may-july 2012" The end of ideology, again? " juncture, volum19.
45. Ramadan , tatiq.(2012) Islam and the arab awalcening,newYork: oxford university
46. press.
47. Lutterbeck,Derek.(december2012)"Arabuprisings,Armedforces,andcivil-military Relations",Armed forces8society39
48. saidAly,monemAbdel.(2012)stat and Revolution in Egypt,Brandeis university :crown center for middle East studies
49. 49.Skocpol,theda.(may 1982) "rentier state and shia islam in the Iranian Revolution"theory and society.vol 11.
50. Skocpol,theda.1982a. "what makes peasants Revolutionary,"comparative politics,vol.14,no.3.

DOI: ۱۰.۲۱۸۵۹/priw-۰۸۰۲۰۳

به این مقاله این‌گونه ارجاع دهید:

هراتی، محمد جواد؛ مهدی‌زاده، روح‌الله (۱۳۹۷)، «آزمون‌پذیری نظریه دولت رانتیر در انقلاب‌های جهان اسلام (مطالعه موردی ایران و مصر)» *فصلنامهٔ پژوهشهای سیاسی جهان اسلام*، س۸، ش۲، تابستان ۹۷، صص ۸۰-۴۹

[Downloaded from priw.ir on 2026-10-15]